

گذر

۱۱میلیارد دلار

فروش ماهانه نفت ایران

■ ایسنا طبق آخرین آمار منتشره بانک مرکزی میزان درآمدهای نفتی ایران به ماهانه بیش از ۱۱ میلیارد دلار رسیده است. این در حالی است که ایران طی سال‌های ۸۶ تا ۸۹ بیش از ۳۳۷ میلیارد دلار درآمد نفتی داشته است. در آخرین آمار بانک مرکزی از درآمد‌های نفتی ماهانه ایران رشد بیش از چهارمیلیارد دلاری طی سال ۹۰ نسبت به سال ۸۹ مشاهده می‌شود.

قیمت نفت افزایش یافت

■ فارس: قیمت نفت در معاملات دیروز بازارهای جهانی ۴۶ سنت افزایش یافت و به ۱۰۰/۱۵ دلار در هر بشکه رسید. به گزارش پایگاه اینترنتی بلومبرگ، کاهش نرخ بهره بانکی از سوی بانک‌های مرکزی چین و اروپا نتوانسته موجب کاهش نگرانی‌های بین‌المللی نسبت به وضعیت اقتصادی جهان طی ماه‌های آینده شود و این مساله نگرانی‌ها نسبت به کاهش تقاضای انرژی را افزایش داده است. قیمت هر بشکه نفت سبک آمریکا در بازار نیویورک برای تحویل در ماه اگوست با ۱/۹ دلار کاهش به کمتر از ۸۶/۰۳ دلار رسیده است. در بازار لندن هر بشکه نفت برنت دریای شمال برای تحویل در ماه اگوست با ۴۶ سنت کاهش به ۱۰۰/۱۵ دلار رسیده است.

استقبال هند

از پرداخت پول نفت به «یورو»

■ فارس: بلومبرگ اعلام کرد: شرکت‌های هندی تمایلی برای پرداخت پول نفت ایران به رویبه نشان نمانده‌اند و از طریق ترکیه و به یورو پول نفت ایران را می‌پردازند. به گزارش پایگاه اینترنتی بلومبرگ، منبع آگاه افزوده: به‌دنبال موانع ایجاد شده برای پرداخت پول نفت خریداری شده از ایران با رویبه، هند از یورو برای پرداخت پول نفت ایران از طریق بانک ترکیه‌ای اقدام کرده است. براساس این گزارش، منابع آگاه اعلام کردند در حالی که هند بخشی از بدهی نفتی خود را به ایران با رویبه پرداخت کرده مخالفت دهلی نو با افتتاح شعبه بانک پارسیان در بمبئی و اینکه رویبه را نمی‌توان به صورت مستقیم به سایر ارزهای معتبر بین‌المللی تبدیل کرد موجب شده تا شرکت‌های هندی تصمیم بگیرند پول نفت وارداتی از ایران را به جای رویبه با یورو پرداخت کنند.

توقف «سوآپ» نفت ایران کذب است

■ مهر: یک مقام مسوول در شرکت ملی نفت با تاکید بر اینکه در حال حاضر به‌طور متوسط هفتگی دو فرود کشتی اقدام به تخلیه و بارگیری مجدد نفت خام سوآپ ایران می‌کنند، توقف سوآپ نفت ایران را کذب محض اعلام کرد.

بالاکلفی صنایع در قیمت‌گذاری انرژی فاز دوم هدفمندی

■ فارس: وزیر اقتصاد در حالی چند روز پیش از عدم تغییر قیمت حامل‌های انرژی در فاز دوم هدفمندی پارانها سخن گفت که مشخص نیست این بحث فقط مختص بخش خاورا است یا صنایع را نیز شامل می‌شود و همین مساله صنعتگران را دچار بالاکلفی و ناتوانی در برنامه‌ریزی برای تولید خود کرده است. عدم اعلام زمان دقیق اجرای مرحله دوم قانون هدفمندی پارانها تا حد زیادی صنعتگران را با مشکل در برنامه‌ریزی برای تولید یورو رویه‌رو کرده است و البته این روزها علاوه بر این مساله، افزایش یا عدم افزایش قیمت حامل‌های انرژی نیز بیش از پیش بر ابهامات بخش صنعت افزوده و تولیدکنندگان را از برنامه‌ریزی دقیق برای تولید خود ناتوان کرده است. در چنین شرایطی مسوولان وزارت صنعت و به‌ویژه رییس ستاد تحول صنایع پاسخگوی سئوالات صنعتگران و خبرنگاران در این خصوص نبوده و از اعلام برنامه‌های این وزارتخانه خودداری می‌کنند. آرمان خالق، عضو کارگروه حمایت از تولید در این مورد با ایرازی اطلاعاتی از برنامه دولت در قیمت‌گذاری حامل‌های انرژی بخش صنعت طی مرحله دوم هدفمندی پارانها گفت: اگر قرار است استثنائی در تغییر قیمت انرژی ایجاد شود باید بخش تولید در اولویت اول قرار داشته باشد تا با اعمال نرخ پایین‌تری برای انرژی این بخش، امکان برهم‌رود شدن کارخانه‌ها و رشد اقتصادی کشور فراهم شود. «خالقی» در ادامه با اشاره به تهدیداتی از سوی وزارت نیرو و قطع مقطعی برق واحدهای صنعتی به‌دکار گفت: در حال حاضر برخی صنایع برای پرداخت قبض‌های انرژی خود با مشکل رویه‌رو هستند و وزارت نیرو نیز با قطع مقطعی برق این واحدها در برخی روزها به آنها هشدار می‌دهد. وی افزود با توجه به فرارسیدن فصل تابستان و بالا رفتن مصرف برق در کشور، نگران زیرا برخی صنایع در زمان‌های پیک مصرف انرژی هستند و فراتر از آن خود با مشکل رویه‌رو هستند و وزارت نیرو در وقت کوتاهی پرداخت پول انرژی یک واحد شرکت گاز گفت: وقتی پرداخت پول انرژی یک واحد تولیدی چهار یا پنج ماه به تعویق می‌افتد، شرکت گاز یا وزارت نیرو به این واحدها هشدار می‌دهند.

خرید ۱۴۵ هزار تن غذای دام و طیور از هند

■ فارس: روترز اعلام کرد ایران با وجود تحریم‌های غرب در ماه ژوئن ۱۴۵ هزار تن غذای دام و طیور از هند خرید که این رقم نسبت به ماه قبل از آن رشد ۲۷۰ درصدی داشته است. صادرات کتنامه روغنی هند در ماه ژوئن نسبت به مدت مشابه سال قبل ۲۲ درصد افزایش یافت. براساس گزارش روترز هند در ژوئن سال جاری میلادی ۳۰۵ هزار تن کتنامه روغنی به خارج صادر کرد که حدود نیمی از این رقم به مقصد ایران فرستاده شده است.



امیرانامانز صندبه اول

بلندمدت با همان سپرده‌های غیردیداری در بانک‌ها، موجب تثبیت بخش حقیقی اقتصاد خواهد شد.

■ به اعتقاد شما افزایش سپرده‌های غیردیداری نگران‌کننده نیست زیرا معتقدید که به تبع رشد این سپرده‌ها، منابع مالی بانک‌ها برای تخصیص تسهیلات به متقاضیان و بخش‌های مولد اقتصادی افزایش یافته و با رشد سرمایه‌گذاری همراه خواهد بود. این در حالی است که در ایران منابع این سپرده‌ها عمدتاً به سمت بخش‌های مولد اقتصاد حرکت نکرده و تنها به رشد نقدینگی دامن زده است.

بخش مولد از لحاظ حساب‌های مالی، شامل تمام بخش‌هایی است که منجر به ایجاد ارزش افزوده می‌شود، ایجاد ارزش افزوده نه به معنای فیزیکی تولید، اگر مبادله‌ای میان دو نفر صورت گیرد که هیچ تولید فیزیکی در جریان آن صورت نگرفته باشد و در این بین، فرد اول از فرد دوم سودی بگیرد، این سود به معنای ارزش افزوده است، اما از دیدگاه ایدئولوژیک و حتی دیدگاه‌های چپ، تولید مفهوم فیزیکی می‌دهد، این در حالی است که از لحاظ مفهوم اقتصاد کلان، همان مفهوم ایجاد ارزش افزوده مهم است و فرقی نمی‌کند که این منابع و تسهیلات به سمت بخش صنعت، کشاورزی و… برود یا در حوزه خدمات که در آن تولید فیزیکی صورت نمی‌گیرد، تزریق شود.

مسلم بدانید که اگر مداخله دولت در اقتصاد کم باشد، قیمت‌های نسبی از طریق مکانیسم عرضه و تقاضا، رابطه‌ای بین بخش‌های مختلف اقتصادی برقرار می‌کنند.

■ شاخصه‌هایی که به آن اشاره کردید می‌تواند از منظر توریک، تبعات مورد نظر را در اقتصاد به همراه داشته باشد. اما آیا این رابطه با توجه به عملکرد سیستم بانکی ما، در ایران نیز قابل تعمیم است؟

بله، در اقتصاد ایران همه چیز تابعیت را دارد.

هر چقدر سپرده‌ها به‌ویژه سپرده‌های بلندمدت در بانک‌ها افزایش یابد، عرضه منابع بانکی به بخش‌های سرمایه‌گذاری نیز افزایش می‌یابد، در یک تعریف، نقدینگی برابر است با حجم پول نقد به اضافه سپرده‌های دیداری و سپرده‌های مدت‌دار، که این تعریف نقدینگی از سوی منابع است از طرف صنایع، نقدینگی برابر است با خالص مطالبات سیستم بانکی از بخش‌های دولتی و خصوصی به صورت ریالی و ارزی و به اضافه خالص حساب سرمایه.

منظور از این تعریف مجدد، آن بود که متوجه باشید هر قدر نقدینگی در سمت منابع از طریق سپرده‌های مدت‌دار اضافه می‌شود، عملاً منابع از سمت مصرف بانکی عرضه می‌شود، بنابراین از این بابت جای نگرانی نیست. اما چیزی که نگران‌کننده است، وجود یکسری از موسسات مالی و صندوق‌های قرض‌الحسنه است که فعالیت‌های پولی بسیار وسیعی دارند اما در عین حال، تحت‌نظارت بانک مرکزی قرار ندارند و ذخیره‌های احتیاطی و قانونی را به بانک مرکزی پرداخت نمی‌کنند. این گروه به شدت بر حجم نقدینگی می‌افزایند و در حساب‌های بانک مرکزی وارد نمی‌شوند.

■ به موضوع نقدینگی موسسات پولی و صندوق‌های قرض‌الحسنه اشاره کردید. طبق آمار غیررسمی میزان نقدینگی ایجاد شده توسط موسسات پولی در سال گذشته حدود ۶۰هزارمیلیارد تومان تخمین زده شده است. آیا می‌توان برآوردی از میزان نقدینگی ایجاد شده توسط این موسسات و به عبارتی نقدینگی پنهان در کشور داشت؟

تاکنون برآوردی دقیق و رسمی از ارقامی که به صورت نقدینگی پنهان در اقتصاد کشور وجود دارد، نشده چراکه تعداد صندوق‌های قرض‌الحسنه و موسسات پولی موجود در سطح کشور بسیار بالاست. در این خصوص طی سال‌های قبل، بیش از شش‌هزار صندوق قرض‌الحسنه توسط مرکز آمار ایران در کشور به ثبت رسیده است. گستره دامنه برخی از این صندوق‌های قرض‌الحسنه آنقدر وسیع است که تعداد شعبات آنها نزدیک به‌هزار شعبه هم می‌رسد. ضمن آنکه اغلب این موسسات و صندوق‌ها تحت پوشش نهادهایی قرار دارند که تمایلی به ارائه گزارش حساب‌های خود به بانک مرکزی ندارند. در نتیجه با توجه به اینکه این موسسات ذخیره‌های قانونی و ذخیره‌های احتیاطی را نمی‌پردازند عملاً ضریب به هم افزاینده بالایی در افزایش حجم نقدینگی دارند. برای مثال اگر نرخ ذخیره قانونی ۲۰درصد باشد، صدتومان پولی که توسط بانک مرکزی وارد اقتصاد می‌شود را تقسیم بر ۰/۲ کنیم، نهایتاً ۵۰ تومان از این طریق نقدینگی ایجاد می‌شود اما اگر نرخ ذخیره قانونی برای آن موسسه صفر باشد (یعنی ذخیره قانونی و احتیاطی را به بانک مرکزی پرداخت نکرده باشند)، این نسبت صِد به ۰/۲ در صِد تبدیل می‌شود به صِد به روی صفر، یعنی از لحاظ ریاضی مفهوم بی‌نهایت می‌دهد اما از نظر عملیاتی این رقم صد تومان به تعداد دفعاتی که بین افراد، موسسات یا همان صندوق قرض‌الحسنه می‌چرخد، ایجاد نقدینگی می‌کند. این امر بی‌انگار آن است که عملاً بخش از نقدینگی ایجاد شده توسط صندوق‌های قرض‌الحسنه و موسسات مالی و اعتباری، وارد محاسبات حساب‌های بانک مرکزی نمی‌شود. باتوجه به مقایسه نرخ رشد نقدینگی و نرخ رشد تورم در سال‌های اخیر، به نظر می‌رسد که چیزی در حدود ۱۰ درصد از نقدینگی پنهان در آمارهای بانک مرکزی ثبت نمی‌شود. این برآورد بر مبنای رابطه بین سطح عمومی قیمت‌ها و نقدینگی صورت گرفته است.

■ می‌توان بخش قابل ملاحظه‌ای از رشد نقدینگی

«بیژن بیدآباد» در گفت‌وگو با «شرق»:

بانک‌ها علت افزایش مطالبات معوق هستند



بیژن بیدآباد

پنهان را ناشی از ضعف نظارتی بانک مرکزی دانست. همان‌طور که اشاره شد، بخشی از نقدینگی موجود در اقتصاد، حاصل عملکرد موسسات پولی و صندوق‌هایی است که تمایلی به ارائه گزارش حساب‌های خود به بانک مرکزی ندارند. این در حالی است که طی سال‌های اخیر به شدت با روند رو به رشد این موسسات در سطح کشور رویه‌رو بودیم. رشد کمی این موسسات در کنار ضعف نظارت‌های بانک مرکزی را چگونه می‌توان ارزیابی کرد؟

عملکرد بانک مرکزی در سه دهه گذشته، ضعیف بوده است. طبق تحقیقات و بررسی‌های صورت گرفته، اثبات شده که تورم در ایران منشأ پولی دارد، این در حالی است که قانوناً کنترل پول در کشور ما جزو وظایف بانک مرکزی محسوب می‌شود. بانک مرکزی در خلال این سال‌ها نه تنها عملاً به وظایف خود عمل نکرد بلکه با صدور بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌های مقطعی و بعضاً متناقض و همچنین اتخاذ رویه‌های بی‌ثبات، شرایطی را در اقتصاد کشور فراهم آورده که بانک‌ها سعی در دور زدن مقررات بانک مرکزی کنند. اگر بسته‌های سیاستی - نظارتی بانک مرکزی، به استثنای نخستین بسته که مربوط به سال ۸۷ بود را بررسی کنیم، شاهد وجود تناقض‌های واضح و بارزی در مورد نرخ‌های بهره، عقود اسلامی و… خواهیم بود. برای مثال در همین بسته سیاستی - نظارتی اخیر، نرخ بهره ۱۷ تا ۱۸ درصدی برای تسهیلات مشارکتی در نظر گرفته شده، حال آنکه این سوال مطرح است که اگر مشارکت در سود و زیان است، به چه دلیل نرخ بهره‌ای از پیش تعیین و تحمیل می‌شود؟ و به تبع این امر می‌توان گفت که ناقص عملیات بانکی بدون ربا در درجه اول، خود بانک مرکزی است. در حال حاضر بانک‌های خصوصی نرخ بهره‌های بعضاً ۳۴ تا ۳۶ درصدی را برای تسهیلات خود در نظر گرفته‌اند، حال آنکه چنین رقمی در هیچ یک از بخشنامه‌های بانک مرکزی ذکر نشده است. در برخی موارد، قراردادهایی در بانک‌های خصوصی منعقد می‌شد که در آنها به جای تعیین نرخ بهره، رقم مورد نظر براساس دستورالعمل و مصوبات هیات‌مدیره بانک تعیین می‌شود.

که این بیبع از لحاظ فقهی باطل است. در خلال سال‌های اخیر، برائز عملکرد ضعیف بانک مرکزی، شرایط آنقدر به نفع بانک‌های خصوصی گردانده شده که بانک‌ها به این شکل باافراد وارد قراردادهای تسهیلات می‌شوند که نه تنها از لحاظ فقهی بلکه از لحاظ قانونی

نکته

عملکرد اقتصادی دولت و بانک مرکزی نه تنها در هفت سال گذشته بلکه در سه دهه قبل بسیار ضعیف بوده است، در این سال‌ها غالب اصلاحات و تحولات هم به مسایل مقطعی و موردی معطوف شد

حیات‌مدیره بانک تعیین می‌شود که این بیبع از لحاظ فقهی باطل است. در خلال سال‌های اخیر، برائز عملکرد ضعیف بانک مرکزی، شرایط آنقدر به نفع بانک‌های خصوصی گردانده شده که بانک‌ها به این شکل باافراد وارد قراردادهای تسهیلات می‌شوند که نه تنها از لحاظ فقهی بلکه از لحاظ قانونی

هم مشکل دارند. از ابعاد مختلف که به این مساله نگاه شود، می‌بینیم عملکرد بانک مرکزی در حوزه کنترل و نظارت، خود منجر به آن شده که بانک‌ها در عملکرد خود به انواع فعالیت‌های قابل تأمل روی آورند. هرچند این‌گونه عملکرد چنین بانک‌هایی عملاً برعهده مسوولان داخلی آنهاست اما فراهم آوردن زمینه‌هایی برای رشد این وضعیت، ناشی از ضعف عملکرد بانک مرکزی است. ■ امروز یکی از چالش‌های سیستم بانکی کشور، موضوع مطالبات معوق است، مساله‌ای که به اعتقاد بسیاری از فعالان و کارشناسان ناشی از ضعف قوانین و سیاست‌گذاری‌های کلان پولی است. در این میان طبق برآوردهای صورت گرفته، سهم بانک‌های دولتی و موسسات مالی و اعتباری از کل مطالبات معوق رو به افزایش است. آیا می‌توان ناتوانی بانک مرکزی در استفاده از ابزارهای پولی را عامل اصلی حجم بالای مطالبات معوق دانست؟

طبق گزارش رییس کل بانک مرکزی در کنفرانس سیاست‌های پولی و مالی، رقم مطالبات معوق سیستم بانکی حدود ۵۳۷هزارمیلیارد تومان است که نسبت این رقم به مانده تسهیلات سیستم بانکی چیزی در حدود ۱۲ تا ۱۴درصد است. این امر به معنای آن است که عملاً بانک‌ها این رقم از منابع خودشان را از دست داده‌اند، حال این سوال مطرح است که عامل این امر عمکرد بانک‌های مختلف است یا بانک مرکزی؟

از یک منظر، خود بانک‌ها علت افزایش میزان مطالبات معوق هستند، چراکه برخی بانک‌ها شرایط قراردادی خود را محکم منعقد نکرده و وثایق کافی دریافت نمی‌کنند، به تبع آن در وصول مطالبات با مشکل رویه‌رو می‌شوند. اما از سوی دیگر، به واسطه ضعف نظارت‌های بانک مرکزی، برخی بانک‌ها رقم مطالبات معوق و وام‌های سررسید را در صورت وام‌ها

اقتصاد

سال نهم ■ شماره ۱۵۷۰

طلا

فراز و فرود سکه

■ شرق: سکه در هفته‌ای که گذشت مدام در حال نوسان بود هرچند که دامنه این نوسان چندان بلند نبود و قد قیمت‌ها در هیچ‌کدام از این فراز و فرودها به ۸۰۰هزار تومان نرسید با این همه زیر سایه بی‌ثباتی دلار و اتراق واحد پول آمریکا در مهرزهار و قدیم ۹۰۰تومان، ارزش سکه فاصله خود با کتال ۷۰۰هزار تومان را حفظ کرد این در حالی بود که بازار و قیمت‌ها نیم‌نگاهی هم به نرخ‌های جهانی داشتند. در آخرین روز کاری هفته یعنی روز چهارشنبه و یک روز قبل از عید نیمه‌شعبان هم که معمولاً قیمت‌ها در بازار سکه بالا می‌رود و خرید و فروش رونق می‌گیرد، در این روز هر سکه بهار آزادی طرح قدیم ۷۴۷هزار تومان و هر قطعه سکه طرح جدید ۷۴۵هزار تومان فروش رفت این در حالی بود که نیم و ربع‌سکه هم در چهاردهمین روز تیرماه ۳۷۳ و ۱۸۱هزار و ۵۰۰ تومان قیمت خورد.البته چهارشنبه هفته‌گذشته سکه آتی تحویل مهرماه که معمولاً در صعود قیمت از سکه‌های دیگر گوی سبقت را می‌رباید تنها ۰/۴۹درصد رشد کرد و تاوست خود را از ۸۹۶هزار تومان به ۹۰۰هزار تومان رساند.

طلو سکه	قیمت (تومان)	تغییر (صحت)
بهار آزادی طرح قدیم	۷۴۷/۰۰۰	۵۰۰-
بهار آزادی طرح جدید	۷۴۵/۰۰۰	۵۰۰-
نیم‌سکه بهار آزادی	۳۷۳/۰۰۰	-
ربع‌سکه بهار آزادی	۱۸۸/۵۰۰	۵۰۰+
سکه یک گرمی	۱۱۲/۰۰۰	-
یک گرم طلای ۱۸ عیار	۷۵/۸۶۰	۱۴۰-
اونس (دلار)	۱۵۸۷	۳۱-

ارز

بازار چند نرخی می‌شود

■ شرق: بازار از این روزها میزبان معامله‌گرانی است که دلار را در کتال هزار و ۹۰۰ تومان می‌خرند و دقیقاً هم نمی‌دانند اینکه بدهی قیمت‌ها چیست. کجاست روهی که مشتریان چهارراه استانبول می‌گویند با اولین نوسان دلار دوباره به آن سوی مرز دوهزار تومان پرتاب خواهد شد گروه دوم اصا معتقدند که بانک مرکزی اجازه رشد بیشتر را به دلار نخواهد داد و قیمت‌ها اگر ارزان نشودگران هم نخواهد شد. این در حالی است که با رشد مداوم ارزش ارزهای قابل معامله در بازار کشف قیمت‌ها در دو بازار رسمی و آزاد هر روز بیشتر از روز پیش می‌شود و البته با تمام این اوصاف بانک مرکزی کماکان تاکید دارد که قیمت در بازار رسمی را افزایش نخواهد داد. در همین شرایط اواخر هفته گذشته رییس کمیسیون اقتصادی مجلس از تنظیم بسته‌ای در مجلس برای بازار ارز خبر داد که براساس آن نمایندگان به دنبال سه نرخ می‌گردن این بازار هستند. این طرح تنظیم نشده با موج انتقادها مواجه شد. وزیر اقتصاد به این طرح روی خوش نشان نداد بخش خصوصی هم تمایلی به آن ندارد.

ارز	قیمت (تومان)	تغییر (صحت)
دلار آمریکا	۱۹۶۷	۳-
یورو	۲۴۸۲	۲+
پوند انگلستان	۳۰۶۰	-
دلار کانادا	۱۹۶۵	۷+
ین ژاپن	۲۴۴	۳-
درهم امارات	۵۳۶	۳+
لیبر ترکیه	۱۱۰۰	۵+

بورس

بورس زیر چتر حمایت

■ شرق: بورس تهران در هفته منتهی به چهاردهم تیرماه بعد از مدت‌ها خسوت ناگهان در مرکز توجه متولیان اقتصادی قرار گرفت توجهی که امید می‌رفت البته می‌رود که در ادامه به رشد شاخص‌ها و بازگشت سرمایه‌ها به تالار شیشه‌ای منجر شود. اوج این حمایت‌ها هم زمانی بود که با پادرمیانی وزیر اقتصاد، بازار پول و رییس کل بانک مرکزی به کمک بازار سرمایه آمد و کارگروه حمایت از بازار سرمایه مصوب کرد و شبکه‌های دهند و وام بگیرند البته با ترمیم حقوقی‌ها. خبر مهم دیگر اینکه نرخ سود اوراق بورد سه‌درصد بیشتر شد و از اوراق مشارکت بانکی پیش افتاد. در روزهایی هم که همه دست به دست هم داده بودند تا بازار به روی سهامداران لیخنند بزند شاخص تقریباً در تمام روزها در حال پیشروی بود دست آخر هم دماسنج بورس ۲۷۴ واحد یعنی ۱/۵درصد مثبت شد و در مز ۲۵هزار و ۴۲۸ واحد بازگشت. با این همه با وجود رشد مداوم شاخص‌ها، در تالار معاملات در هفته‌ای که گذشت ۱۸ هزار و ۸۵۵ کد معاملاتی با داد و ستد بالغ بر یکمیلیارد و ۲۱۰میلیون سهم در بورس ارزش معاملاتی بالغ بر دوهزار و ۸۵میلیارد ریال را رقم زدند.

عنوان شاخص	مقدار	تغییر
کل معاملات (میلیارد ریال)	۲/۸۵۵	۳۳/۳-
حجم معامله شده (میلیون سهم)	۱/۳۶۳	۷/۵-
دفعات معامله	۷۸/۱۶۲	۳/۱۴
تعداد خریداران	۲۱/۱۸۸	۰/۵+
روزهای فعالیت	۵	۰/۰

■ بنابراین، شما ساختارهای قانونی را مهم‌ترین عامل مشکلات کنونی در نظام بانکی کشور می‌دانید؟ معتقدم که قوانین پولی و ساختارهای موجود عامل بسیاری از مشکلات هستند، اما در عین حال نحوه اجرای سیاست‌های پولی توسط بانک مرکزی مساله‌ای است که نمی‌توان از آن چشم‌پوشی کرد. در این خصوص می‌توان به برخی از شاخص‌های آماری اشاره کرد. امروز نرخ تورم به عنوان یکی از شاخص‌های اقتصادی، در تمام کشورها کنترل شده است اما در ایران بالا بودن این شاخص عمدتاً ناشی از عدم توانایی بانک مرکزی در کنترل حجم نقدینگی است. شاید بتوان یکی از دلایل اساسی نرخ بالای تورم را وجود قانون عملیات بانکی بدون ربا عنوان کرد، چراکه این قانون اوراق قرضه را روی شناخته و زمانی که اوراق قرضه روی شناخته شود، عملاً بانک مرکزی ابزار کافی را ندارد، در نتیجه نمی‌تواند حجم نقدینگی را در اقتصاد کم و زیاد کند. در این خصوص در بانکداری راستین، اوراق مبادله راستین تعریف شده، این اوراق یک نوع اوراق قرضه بدون ریاست که تعویض دو قرض را انجام می‌دهد و می‌تواند به عنوان یک ابزار توسط بانک مرکزی مورد استفاده قرار گیرد. از سوی دیگر، سیاست‌های مالی و بودجه‌ای دولت نیز به نوبه خود همین اختلالات را از لحاظ ساختاری به سیستم پولی و بانکی کشور تحمیل کرده است. خزانه‌داری کل دولت عملاً منابع خود را از طرق مختلف تأمین مالی کرده و کسری بودجه‌اش را تأمین می‌کند در صورتی که این کار باید به صورت قانونمند انجام شود. خزانه‌داری کل یا دولت نباید اجازه استقرارش در بانک مرکزی را داشته باشد، در گذشته اگر قرار بود استقرارش هم صورت بگیرد، این کار در قالب اوراق قرضه صورت می‌گرفت اما امروز چون اوراق قرضه روی هستند، چار چوبی نیز برای این کار وجود ندارد.

■ به موضوع استقرارش از بانک مرکزی اشاره کردید، مساله‌ای که طی سال‌های اخیر به مراتب توسط دولت صورت گرفته است. سال گذشته به واسطه اجرای فاز نخست قانون هدفمندی پارانها، دولت کسری درآمدهای خود را با استقرارش از بانک مرکزی تأمین کرد. امسال نیز با توجه در آمد تعیین شده برای فاز دوم هدفمندی از سوی مجلس، پیش‌بینی می‌شود دولت برای منابع مورد نظر خود، به استقرارش دوباره از بانک مرکزی روی آورد. این امر علاوه بر تنزل استقلال بانک مرکزی و بی‌ثباتی در بازار پولی، بار تئوری سر جامعه تحمیل خواهد کرد، ضمن آنکه بدهی قابل ملاحظه‌ای را بر دوش دولت بعدی خواهد گذاشت. ارزیابی شما از این امر چیست؟

قانون هدفمندی پارانها از لحاظ اصولی طرح درستی بود اما از لحاظ عملکرد و زمان اجرا نه. اجرای این قانون، بار مالی زیادی را بر بودجه دولت وارد کرد. اگر بانک مرکزی مستقل و قدرتمند عمل می‌کرد، هیچ‌گاه به درخواست‌های استقرار دولت پاسخ مثبت نمی‌داد. به عنوان نمونه، شورای پول و اعتبار که مهم‌ترین رکن سیاست‌گذاری پولی در کشور است، یک‌شبه منحل اعلام شده و بعد از مدتی دوباره با پادرمیانی، این شورا ابقا می‌شود. پس از آن نیز تغییرات گسترده‌ای در میان اعضای این شورا پدید آمد به طوری‌که افرادی از این شورا حذف شده و افراد دیگری همچون استانبان دانش‌گاہی، به عنوان اعضای منوب می‌شوند که مسوولیت پاسخگویی زیادی ندارند. این نوعی بیانگر آن است که دولت تصمیم داشت شورای پول و اعتبار را وابسته و در اختیار خود داشته باشد تا سیاست‌های مورد نظرش را استخراج کند.

■ شاید بتوان بخشی از ضعف عملکردی بانک مرکزی را در پنهان آمارهای اعلامی ارزیابی کرد که از آن جمله، آمار مربوط به نرخ تورم است. بانک مرکزی در حالی نرخ تورم سال ۹۰ را ۲۱درصد اعلام کرد که گزارش‌های ارائه‌شده از سوی این مرکز در خصوص وضعیت خرده‌فروشی و کالاهای اساسی، بیانگر رشد نزدیک به ۱۴۰درصد این کالاها در سال گذشته است. به اعتقاد شما، سهم بانک‌ها در افزایش بیش از آنکه بیانگر واقعیات اقتصاد باشد، تابعی از اهداف سیاسی است. به اعتقاد شما آمار مورد نظر تا چه میزان قابل اعتماد و استناد است؟

معتقدم دولت معمولاً وزن‌ها را تغییراتی را در شاخص‌ها ایجاد می‌کند، که در این راستا برخی از کالاها را سبب مصرفی حذف شده و کالاهای دیگری جای آنها را می‌گیرند که عمدتاً تغییرات قیمتی زیادی ندارند. این مساله شاید بهترین گزینه برای توجیه کردن شاخص سطح عمومی قیمت‌ها باشد اما روش‌های دیگری هم استفاده می‌شود که عملاً به صورت دستوری بر تغییر وزن‌ها تاکید دارند. زمانی که سیاست وارد محاسبات آماری شود، هر چه امکان پذیر است اما پذیرش رقم ۲۱درصد اعلام شده از سوی بانک مرکزی برای نرخ تورم، برای اکثر افراد جامعه، غیرقابل قبول است، نیاز نیست که شما برای درک این مساله اقتصاددان باشید.

■ به عنوان سوال پایانی، با توجه به شرایط اقتصاد کشور، چه ارزیابی‌ای از نرخ واقعی تورم در سال گذشته و سال جاری دارید؟

باید توجه داشت که آثار بنیادین نرخ تورم در ایران، متغک از سیاست‌های اقتصادی دولت و به‌ویژه نحوه اجرای قانون هدفمندی پارانها و اجزای فاز دوم آن نیست. در صورت اجرای آن به شیوه فاز نخست، باید منتظر افزایش سطح عمومی قیمت‌ها به شدتی بیش از سال گذشته بود.